

راهبردهای تربیت نسل مطهر در عصر انتظار ظهور

دکتر سید حسن میرآبادی

دانشگاه عالی دفاع ملی

تهران ۱۳۹۲

سرشناسه: راهبردهای تربیت نسل مطهر در عصر انتظار ظهور

عنوان و نام پدیدآور: فیروزآبادی، سیدحسن، ۱۳۳۰

تالیف حسن فیروزآبادی؛ ویراستار علمی و ادبی: معاونت پژوهش و تولید علم دانشگاه.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص.

شابک: ۷۹-۵۳۹-۶۰۰-۹۷۸

شناسه: فیروزآبادی، دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات



دانشگاه عالی دفاع ملی

راهبردهای تربیت نسل مطهر در عصر انتظار ظهور

تألیف: سید حسن فیروزآبادی

تدوین و ویرایش: معاونت پژوهش و تولید علم دانشگاه

طراح جلد: سید مجتبی علم

صفحه آرای: سعید صادق

شابک: ۷۹-۵۳۹۱-۶۰۰-۹۷۸

بهاء: ۲۵۰۰۰ ریال

نوبت و سال چاپ: نوبت اول - بهار ۱۳۹۲

تیراژ: ۳۰۰۰

ناشر: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا)

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشانی: تهران، ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام، دانشگاه عالی دفاع ملی

دورنگار: ۲۲۹۷۰۳۲۷

تلفن: ۲۲۹۷۰۳۴۳

آدرس پست الکترونیکی: info@sndu.ac.ir

به نام خدا

تقدیم به همسر عزیزم خانم فاطمه مباشری
و فرزندان محبوبم دکتر سیده شفق، دکتر سیده سپیده،
دکتر سید محمود، سید علی و سید صادق
که موفقیتیم را مرهون صبوری و زحمات آنها هستیم.

www.ketab.ir

(فهرست)

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۲۱
فصل اول: مفاهیم و اهداف تربیت زمینه ساز.....	۳۱
مفهوم شناسی و کارکرد شناسی تربیت زمینه ساز.....	۳۴
مفاهیم ریشه های تربیت دینی و مهدوی.....	۳۶
کارکردها و جایگاه کارکردهای تربیت زمینه ساز.....	۳۹
اهداف و غایات تربیت زمینه ساز.....	۴۶
خلاصه فصل.....	۵۶
فصل دوم: الزامات تربیت زمینه ساز.....	۵۷
الزامات مبنایی در توسعه دیدگاه تربیتی در عصر انتظار ظهور.....	۶۱
الزامات ساختاری و زیربناهای انسانی تربیت زمینه ساز.....	۶۵
پاکی و دیانت در ساختار خانواده.....	۶۶
نهاد و سازۀ تربیت مربی مهدوی.....	۶۷
اصول گرای و عقلانیت مبنایی در تربیت زمینه ساز.....	۷۱
اصول و مبنای مورد تعقیب در تربیت زمینه ساز.....	۷۸
نهاد اجتماعی خانواده منتظر.....	۹۱
خلاصه فصل.....	۱۰۴
فصل سوم: حوزه های تمرکز در تربیت مهدوی.....	۱۰۷
ضرورت های تمرکز و توجه به حوزه های موثر تربیتی در مهدویت.....	۱۱۲
زیرساخت اساسی در تقویت زمینه سازی ظهور.....	۱۴۷
راهنمای تربیتی در جامعه منتظر ظهور.....	۱۵۰
سیاست های تربیتی و استعدادسازهای عصر ظهور.....	۱۵۲
خلاصه فصل.....	۱۶۰

فصل چهارم: شناخت و بازشناسی محیط جامعه منتظر	۱۶۳
آشنایی با محیط‌های تربیتی و تعالی ساز در عصر غیبت	۱۶۶
عوامل مؤثر در بازشناسی محیط مهدوی و نقش آن در برنامه ریزی تربیتی	۱۶۷
شناخت فرا موقعیت	۱۶۸
محیط و موقعیت حاکم بر تربیت زمینه ساز	۱۶۹
خلاصه فصل	۱۷۷
فصل پنجم: مقاومت‌ها و موانع در تربیت زمینه ساز	۱۷۹
مفهوم شناسایی چالش‌های تربیتی عصر ظهور	۱۸۳
روش‌های شناخت موانع تربیتی در عصر انتظار	۱۸۶
موانع و چالش‌های دولت زمینه ساز	۱۸۸
خلاصه فصل	۱۹۹
فصل ششم: مزیت‌های فرهنگ در تربیت موفق در عصر غیبت	۲۰۳
قابلیت‌های فرهنگی جوامع در تقویت مبانی و کارکردهای تربیتی	۲۰۶
فرهنگ تبعیت و اطاعت پذیری ولایی	۲۰۸
فرهنگ انتظار مهدویت و مزیت‌های تربیتی آن	۲۱۱
خلاصه فصل	۲۱۸
فصل هفتم: حکومت ولایی و مسئولیت‌های تربیتی و زمینه سازی	۲۲۱
ظرافت‌های شیعه در پیشبرد زمینه سازی ظهور بر اساس تربیت مهدی	۲۲۴
ولایت پذیری اصل نخست در کارآمدی تعلیم و تربیت مهدوی	۲۲۷
حکومت ولایت فقیه و وظایف تربیتی در عصر غیبت	۲۳۴
خلاصه فصل	۲۳۹
فصل هشتم: روش‌های مطلوب در تربیت مهدوی	۲۴۱
اصول و مبانی بهسازی و بهگزینی روش‌های تربیتی	۲۴۴
نقش محیط در گزینش و اعمال روش‌های تربیتی	۲۵۱
نقش روش در تولید، انتقال محتوا و اشراف بر آن	۲۵۳
الگوهای تربیتی به مثابه اولین گام در فهم و گزینش روش نافذ تربیتی	۲۵۵

۲۶۷	عوامل موثر و مکمل در گزینش بهینه روش‌های تربیتی
۲۷۰	خلاصه فصل
۲۷۳	فصل نهم: راهبردها و راهکارهای کلیدی در تربیت مهدوی
۲۷۶	راهبردهای تربیت زمینه ساز ظهور
۲۸۳	رویکرد آزادمنشی رفتاری
۲۹۵	شیوه ترکیب و شبکه بندی راهبردهای تربیت زمینه ساز
۲۹۹	خلاصه فصل
۳۰۱	فصل دهم: نتیجه گیری
۳۰۳	جمع بندی
۳۰۹	پیشنهادهای
۳۱۱	منابع و مأخذ

پیش گفتار

دعاها و مناجات‌های ائمه معصومین (ع) از مهمترین متون آموزشی اسلام است. دعای کمیل، مناجات شعبانیه و سراسر صحیفه‌ی سجاده‌ی عمیق‌ترین آموزه‌های ارزشی اسلامی را عرضه می‌کند. در فرازی از زیارت مشاهد مشرفه در رجب المرجب که حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) به نایب خود حسین بن روح (رضوان الله تعالی علیه) تعلیم نمودند، چشم‌انداز انسان منتظر به خوبی آمده است:

«وَاللَّيْلُ غَاشٌّ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِعٌ، وَلَكُمْ خَوَآنَجَةٌ مُودِعٌ، يُسْئَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَ سَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يَرْجِيَ مِنْ خَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُرْعٍ، وَ خَفْضِ عَيْشٍ مُوسِعٍ، وَ دَعَا وَ مَهْلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ، وَ غَيْرَ مَعْرُوفٍ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ، وَالْعَيْشِ الْمُقْبِلِ، وَ دَوَامِ الْأَكْلِ، وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ، وَالسَّلْسَلِ وَ غَلٍّ وَ نَهْلٍ، لَا تَأْمَنُ وَلَا تَأَلَّ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ: سلام بر شما (اهل بیت) سلام وداع کننده‌ای که نیازمندی‌هایش نزد شما برآورده گذاشته شده است (بدست شماست)، از خدا درخواست می‌کند نزد شما بازگردد و آمدنش بر شما قطع نگردد و مرا از حضور شما برگرداند به طرف آستان پرخیز و برکت و سرزمین پر آب و سرسبز و زمین و زندگانی هموار و وسیع و همه‌جانبه و راحتی ثابت و رفاه و آرامش تا هنگام رسیدن بزرگوار شما درخواست می‌کنم) بهترین سرنوشت و ضرورت در دنیا و آخرت و عاقبت نیکو را و مناسبت گرفتن در بهشت پر نعمت همیشگی و زندگانی پسندیده و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد.

ازاین روست که تمامی پیشوایان راستین ما از آینده‌ی روح انسان و شرایط آن خبر داده‌اند، اما همواره موانعی برای رسیدن انسان به این مرحله از معرفت وجودی داشته‌اند. در این راستا سؤال‌هایی مطرح می‌شود: آیا جوامع انسانی به سوی تشکیل جامعه‌ای در حرکتند که در آن انسان‌های مشترک و بزرگ است؟ جهت حرکت و رویکرد جامعه جهانی به کدام سو رهبری می‌کند؟ تفسیر جامعه‌ای که فراروی بشر است، چگونه است؟ آیا جامعه‌ای که شیعه در عصر انتظار ظهور در آن حاضر است، همان جامعه‌ی آرمانی تمام انسان‌هاست؟ جامعه‌ی مهدوی چگونه ظرفیت‌های خود را تجلی کرده و با چه نرم‌افزار و اجماعی می‌تواند نظام هدایت ولایی را در بین تمامی آحاد بشریت پیاده‌سازی کند.

تکامل تربیت و بلوغ روحی انسان از جمله برنامه‌های آموزشی و تعلیمی در تربیت منتظران قیام امام مهدی (سلام الله علیه) است. برنامه‌های امام همه در این ارتباط است و به این هدف نظر دارد. روشن است که عنصر اصلی در تشکیل اجتماع صالح انسانی، خود انسان است. اصلاحات، تحولات و

انقلاب‌ها، نخست باید از درون انسان آغاز شود، و در حوزه وجودی او صورت گیرد و سپس به برون جامعه سرایت کند. اقتصاد، سیاست، جنگ، صلح، اخلاق، رفاه، ارزش‌ها، آبادانی و سرسبزی، خوشبختی، نشاط، ایثار، خودخواهی، مهرورزی، نظم، بی‌نظمی و ... همه و همه به انسان باز می‌گردد. بهترین برنامه‌ها و آموزش‌ها، باید به دست انسان‌های شایسته اجرا شود و گرنه سودی نمی‌بخشد و تحولی نمی‌آفریند. بهترین قوانین و بهترین مجریان را می‌طلبد. از این‌رو، ساختن انسان و پرورش و رشد انانیت انسان و تربیت اصولی افراد انسانی و مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است و این همه‌اثره هدف نخستین مصلحان واقع‌گرا و انسان‌شناس است. امام خمینی (رحمه الله علیه) در سال ۱۳۵۹ در فرازی از فرمایشات خود در اهمیت این موضوع در عصر انتظار ظهور حضرت می‌فرمایند:

«انسان فاقد تربیت، همه چیز می‌ماند جز انسان. اگر بخواهیم انسان را بدون طی مراتب رشد و کمال معنوی و به دور از تربیت و پرورش اخلاقی و بدون صفات و خصال والا مجسم کنیم، سر و صورت است و گوشت و استخوان و این تمام موجودیت او را تشکیل می‌دهد. بدیهی است انسانی که هویت و شخصیتی جز پیکر ساختنی از ماده و خلاصه شده در خور و خواب ندارد، فقط به حیوان همانند است که هدفش آخور و سب است. همان گونه که حیوان محصور در خوردن و خوابیدن و به شهوت و درندگی گرائیدن، خالص آسیب‌رسان است، از انسان تربیت نشده نیز خطر و زیان بر می‌خیزد و اگر انسان نامذهب و فاقد پرورش را حیوان هم خطرناک‌تر بدانیم، به بیراهه نرفته‌ایم. به دلیل جایگاه و نقش محوری تربیت، انبیای الهی تربیت داشتند که برای مهار انسان‌ها و جلوگیری از ظلم، جنگ، جنایت و هر نوع فساد و تباهی در تمام ادوار در همه عرصه‌های حیات و به تعلیم و تربیت او اهتمام ویژه و مستمر ورزند و لحظه‌ای از این امر مهم و حیاتی غفلت نکنند.

تربیت و پرورش انسان‌ها اگرچه از مأموریت‌های اصلی و محوری مأمورین الهی است، لکن رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) در این مأموریت بسیار خاص و عام است و این نشانه‌ای از گستردگی و جامعیت تلاش‌های آن رسول الهی در راستای انسان‌ها به عالی‌ترین مراتب رشد و تربیت معنوی و اخلاقی است.

اول سوره‌ای هم که به پیغمبر نازل شده است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ اسْت» و نگفته است «اقْرَأْ بِاسْمِ اللَّهِ» و نگفته است، «اقْرَأْ بِاسْمِ النَّاسِ»، بلکه فرموده «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ؟ یعنی، ربّ رسول؛ یعنی، آنکه تربیت کرده است رسول اکرم را؛ یعنی، خدای تبارک و تعالی به تمام اسما و صفات، با تمام اسما و صفات.

اینکه ربّ رسول اکرم است، انسان کامل است. ذات مقدس حق تعالی با تمام اسما و صفات است و اسما و صفات حق تعالی احاطه بر تمام موجودات دارد و با یک تعبیر دیگر همه موجودات ظهور اسما و صفات الهی هستند و خدای تبارک و تعالی که امر می‌فرماید که: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»؛ یعنی به این اسمی که تمام اسما و صفات در آن است و مربی به تمام معنای تربیت در عالم طبیعت، تربیت در عالم ماورای طبیعت، تربیت‌های مناسب با عالم مجردات، با عالم جبروت، با تمام عوالم و این ربّ رسول است، پیغمبر هم مأمور است که قرائت کند و اول چیزی که یه او حسب این روایت امر شده است، امر به قرائت است و تعلیم و تربیت. کآته می‌خواهد بفرماید و آنه ربّی که ربّ تو است، به همه موجودات احاطه دارد. تو باید قرائت کنی و تربیت کنی مردم را به آن راه، همان ربّ رسول آن هم ربّ رسول خاتم؛ پیغمبر مأمور است که مردم را دعوت کند به ربّ رسول، به ربّ رسول اکرم و ربّ رسول خاتم. قرآن برای همین آمده است و اسلام برای همین آمده است که انسان‌ها را تربیت کند که اگر تربیت برای‌شان نباشد، از همه چیز استر شده و موزی تر است. انسان چنین موجودی است که اگر تحت تربیت واقع نشود، هیچ حیوانی هم در وجود در عالم، به خطرناکی و به موزی گری این موجود نیست. همه انبیا که آمدند، برای تربیت این موجود آمدند که اگر سرخود باشد، عالم را به هم می‌زند. متأسفانه انبیا هم موفق نشدند مأموریت خودشان را بحقوق بخشد. «وَالْعَصْرُ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ». عصر هم محتمل است که در این زمان حضرت مهدی (سلام الله علیه) یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی، و در عصر ما حضرت مهدی (سلام الله علیه) است، (صحیفه امام، ج ۱۲ / ۴۱۹-۴۲۶)

امام مهدی (سلام الله علیه) از این نقطه زیربنایی آغاز می‌کند تا با همه‌های دیگر او به شایستگی انجام یابد و زمینه‌ها و شرایط و عوامل اصلی صلاح، شایستگی، رفاه، عدالت، دادگری، قانون‌شناسی، تعهدپذیری، مهرورزی، محبت، ایثار و فداکاری در سطح معهود دیدار شود. انسان با توجه به طبع جستجوگرش همواره به سرانجام دنیا می‌اندیشیده است. همه ادیان الهی بیش از مکاتب بشری درباره پایان تاریخ اظهار نظر کرده‌اند.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) فرمود: انقلاب اسلامی بارقه‌ای از انقلاب جهانی اسلام به رهبری حضرت مهدی (عج) است.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در این باره فرموده‌اند: «بعضی خیال می‌کنند حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و شروع تاریخ بشریت است، حرکت تاریخی انسان آن وقت است، آنوقت

است که استعداد های انسان ظهور خواهد کرد. هنوز این دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در مقابل استعداد هایی که خدا در وجود بشر گذاشته صفر است. اگر حضرت آمدند و دنیا پر از عدل و داد شد ولی آن هنگام، آخر عمر باشد و منتظر صور اسرافیل باشیم این که کار نشد، بشر، چند هزار سال با این زحمت کار کند، بعد حضرت بیایند و دنیا را پر از عدل و داد کنند و بعد هم دنیا تمام شود. وقت ظهور حضرت، دنیا تازه شروع می شود با آمدن حضرت اول زندگی بشر، اول تاریخ و اول رشد و تعالی بشری به صورت کلان است.

در حالی که هنوز عده کثیری از انسان های فقیر و بی بضاعت که حتی از تأمین مایحتاج اولیه خویش عاجز و درمان هستند، صحنه های رقت انگیزی را ایجاد کرده اند که تماشای آن دل هر انسان منصفی را به درد می خورد. چنانچه می توان گفت یکی از عمده ترین علل و عوامل تراژدی تلخ و دردناک انسان معاصر تباهی بی عدالتی است که اگر روزی این دوگانگی محو و نابود شود و عدالت و برابری، جایش را بگیرد، نیاز او سماع و احوال انسان و جهان دگرگون خواهد شد. تأمین رفاه و آسایش در عصر انتظار ظهور بدین معنی نیست که انسان گل سرسبد هستی، خلیفه خدا در زمین، بسان حیوانات وحشی بدون مانع و رذعی که لهو و لعب شده و به عیش و نوش پردازد و منزلت و جایگاه رفیع انسانی خویش را فراموش کند. زیرا چنین تلقی و رویکردی نه تنها با هدف خلقت انسان سازگاری ندارد، بلکه در زاویه کاملاً مخالف قرار دارد و هدف آن است که انسان در فضای سالم به وجود آمده، بدون داشتن مشکلات جانبی بتواند روح و روان خویش را در اقیانوس بی کران معارف الهی و انسانی صیقل دهد. راه سعادت و رستگاری را با سرعت و سرعت بیشتری طی کند. و در نهایت، لیاقت و شایستگی راه یابی به جوار حق را به دست آورد. انسان باید همیشه در آرزوی رسیدن به جامعه ای هستند که در آن، آسایش، رفاه، امنیت و خواسته های معقول وجود دارد و به آسانی به آن برسند، عدالت و برابری نیز خواسته آرمانی دیگر انسان هاست. در نگرش قرآن کریم، کیهان برای انسان و تأمین نیازهای مادی و معنوی اوست، از این رو، عظمت انسان وقتی روشن می شود که عظمت هستی شناخته شود. وقتی این رویکرد و نگرش در قرآن نسبت به انسان وجود دارد، باید ما را به غایتی بزرگ برای او در پیش روی باشد. بعثت انبیای الهی را نیز می توان از عظمت انسان و اهمیت وجودی او شمرد که خداوند او را بزرگ داشته و تکریم کرده و رسولانی از جانب خود برای آشنایی با زندگی درست و راه راست در خدمت انسان قرار داده است. این انگیزه نیز از غایتی بزرگ برای انسان

خبر می‌دهد. از این روی، انسان با تأمل در این امور به تأمل در هدفی بزرگ می‌رسد که آینده او را تعیین می‌کند.

هر کس بر اساس جهان‌بینی خود هدفی برای تاریخ پیش‌بینی می‌کند. اهل بیت (علیهم السلام) از آن غایت برای انسان سخن گفته و آن را برای پیروان خود از خداوند متعال مسئلت فرموده‌اند. غایتی دارای چشم‌اندازی والا که نه تنها به نعمت‌های معنوی اشاره دارد بلکه به نعمت‌های دنیوی نیز اشاره شده است، چشم‌اندازی که دل هر انسان منتظری را مالا مال از عشق و امید قرار می‌دهد.

دین اسلام ایدئولوژی و جهان‌بینی استواری برای رهایی انسان از سراب‌های مهلک ارائه داده و از منجی بزرگ سخن گفته که فراتر از اندیشه‌های زمینی است. شیعه جامعه‌ای آرمانی را برای رهایی از زنگارها و زنجیرها و ارتقا یافتن قابل تحقق و تجلی می‌داند که با ندای هطرت‌های پاک سازگار است و به تشکیل جامعه‌ای بدوی منجر خواهد شد.

جامعه‌ای که در پس آن رهبری مانند حضرت مهدی (علیه السلام) با صفاتی بارز قرار دارد که درهای دانش به روی او گشوده است. طبعاً از نظر علمی پیشرفت شکفت‌انگیزی خواهد داشت. در حکومت آن حضرت با اجرای بهای‌های انسانی انسان‌ها آن‌چنان از نظر شخصیت پرورش می‌یابند که گویی آنان غیر از انسان‌هایی هستند که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند.

اقتصاد جامعه شکوفا می‌شود و فقر و تحدست منسوخ می‌شود. آبادانی همه‌جا به چشم می‌خورد و بازرگانی رونقی شایان توجه می‌یابد و کشاورزی و اثر فراوان باران رونق می‌یابد. در روایت است که خداوند برکت را از آسمان فرو می‌فرستد.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرمایند:

«معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌ای دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه‌ی اینهاست. میتوان با معنویت قله‌های علم را صاف کرد و هیچ کرد؛ یعنی اگر معنویت و علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد. دنیا خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم هم باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسان خواهد بود. البته نمونه‌ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا دنیا شروع خواهد شد.»

در دنیای امروز، اجتماع و روابط اجتماعی از پیچیدگی خاصی برخوردار است. وقتی از اجتماع سخن گفته می‌شود، عرصه‌های گوناگونی در نظر است که باید در همه آنها برنامه‌ای سالم برای تعامل اجتماعی تدوین شود. بشر در طول قرون گذشته در حوزه‌های گوناگون اجتماع - مانند سیاست،

حکومت و فرهنگ به ویژه اقتصاد - شاهد نابسامانی و آشفتگی و بی عدالتی بوده است و همواره در پی راهی بوده تا به این بخشها سازمان و نظامی عادلانه ببخشد. در این دوران که جهان به سوی سقوط و تباهی پیش می‌رود و درهای امید برای نجات بسته شده و سازمان‌های جهانی کارایی لازم را ندارند لزوم حکومت جهانی بر اساس عدالت و آزادی احساس می‌شود، مردم به دنبال منجی می‌گردند که آنها را از این وضعیت نجات دهد. نگاهی به جوامع اسلامی در تمام کشورهای اسلامی در سال‌های بعد از بهمن ۱۳۵۷ کاملاً روشن می‌سازد که نهضت حضرت امام خمینی در عمق جان مسلمین اثر گذاشته بود و آنان را به امید و حرکت واداشته بود. حقیر شاهد مظاهر متعددی از این اشتیاق و حرکت در کشورهای هندوستان، ترکیه، سوریه، لبنان و حتی فیلیپین و نیز در سفر حج سال ۶۰ بوده‌ام و با جوانان بی‌بیمه مصر، عربیه سودان، عراق، بحرین، امارات ملاقات و گفتگو کرده‌ام، تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران برای پیشگیری از انقلاب در کشورهای اسلامی و سرکوب این هیجانات اسلام خداوند بود و اکنون بیداری اسلامی ریشه در همان انفجار نور دارد. توجه به جامعه جهانی در حال حاضر نیز ریشه در همین احساس نیاز به پیشوایی عادل و رهبری الهی و آسمانی که با قدرتی بی‌بدیل سراسر زمین را با لوث متمگران پاک و حکومتی جهانی بر اساس فطرت انسانی و عدالت را ایجاد کند. تأکیدات فائزانی در روایات و دعا‌های مأثوره درخصوص چشم انداز و آرمانشهر ظهور آن حضرت آمده، مسلمانی که عدالت حضرت تا اقصی نقاط عالم و زوایای ناپیدای جامعه گسترده خواهد بود. آرمانشهری جهانی که با امید به مدد و رحمت الهی و پس از تحقق وعده الهی مبنی بر وراثت و امامت صالحان و مستغنیان ظهور حکومت عدل مهدی (سلام الله علیه) شکل خواهد گرفت.

در حکومت حضرت مهدی (سلام الله علیه) با برنامه ریزی دقیق و مدتی کوتاه امنیت در همه ی زمینه ها به جوامع بر میگردد و مردم در سایه امنیت واقعی، زندگی خواهند کرد امنیتی که تا کنون بشریت به خود ندیده است. مدینه فاضله اسلامی مدینه‌ای مملو از رفاه و آسایش همگانی است رفاه و تنعم به شکلی که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در جامعه یافت نشود و با تقسیم این امر، توزیع عادلانه ثروت ها و منابع است. با از بین بردن مرزها و حدود جغرافیایی، حکومت جهانی حضرت مهدی (سلام الله علیه) تکامل می یابد. و موانعی که به دست خود بشر ساخته شده برداشته می شود و او به منتهای آرزو وخواسته اش که آزادی در عمل و تحریک زندگی و حیاتش می باشد، می رسد.جامعه بشری به وحدت واقعی که جنگ ها، نابسامانی ها، بحران ها و مشکلات را ریشه کن سازد، دست نخواهد یافت مگر این که به مسائل اساسی و عوامل واقعی که جمعیت بشری را می تواند جمع کند، نظر بیفکند. و شکی نیست که مسائل مادی جز عاملی برای ایجاد اختلاف و جنگ و بهره

کشی از همدیگر نیست. در حالی که عقل و فطرت عواملی هستند که بشریت را به اصل خویش هدایت می کنند و رسیدن به حقیقت وجودی جز با یک رهبری واقعی همانند تکامل عقلی و بازگشت به فطرت و تبری جستن از موانع کشنده ناشی از خودپرستی ممکن نیست که آن هم عصر عدالت، آزادی، امنیت و سعادت یعنی عصر امام منتظر حضرت مهدی (سلام الله علیه) است.

در سایه عدالت مهدوی، امر به معروف و نهی از منکر زنده می شود و مهدی (سلام الله علیه) و یاوران او پیشرو مردم در این فریضه الهی خواهند بود و به دلیل زنده شدن این ارزش قرآنی، همه ارزش ها و فضیلت ها جان می گیرد. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه ها به محبت و دوستی تبدیل می شود و رول اجتماعی براساس انسان دوستی شکل می گیرد.

در سایه حکومت عدل مهدی (عجل الله فرجه الشریف)، خداوند بی نیازی را در دل مردمان قرار میدهد و حرص و آزمندی از وجود انسانها رخت می بندد و عدالت در ابعاد مختلف اعم از فردی و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، قضائی و مانند آن و رعایت مساوات و عدالت در قضاوت و امثال آن حاکم خواهد شد.

عدالت مهدوی در عرصه تربیت انسانها را از رذیلت حرص و آز پاک ساخته و به گوهر غنا و بی نیازی می آراید و بدین سان راه را برای برتری از خوبی ها و صفات نیک می گشاید. دولت کریمه با کرامت دولتمردان تحقق پیدا می کند، دولتمردان بر نفس که از اخلاق بزرگوارانه برخوردار بوده و از خرده گیری بر دیگران مبری می باشند، در صلح برخورد های تلافی جویانه نبوده و به جای اصرار برای «استیفای» حق خود، بر «اغماض» از حق خود اصرار دارند. امام خمینی (رحمه الله علیه) می فرماید: همه عالم در این انسان کامل عصاره است و خود به این عصاره قسم می خورد و می فرماید که: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» انسان در خسارت است، انسان شقی است، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ یعنی، الا آن اشخاصی که تحت تربیت واقع شده اند نه اسلموا، آمنوا؛ مؤمنها، غیر شقی که در تحت تربیت انبیای عظام واقع شدند و در این زمان در تحت تربیت رسول اکرم واقع شده اند همه آنها خسارت دارند، در زیان و خسر هستند. چنانکه پیغمبر توانست ابوجهل و ابولهب و این جمع را آدم کند، امیرالمؤمنین هم نتوانست معاویه و اتباع معاویه را آدم کند.

اما برای این کار آمدند، گمان نشود که اسلام شمشیر کشیده تا مثل سایر حکومت ها قدرت پیدا کند؛ حکومت اسلامی این نیست. اگر کسی برای قدرت اقدام کند و برای تحصیل قدرت شمشیر بکشد، از اسلام دور است و وارد اسلام نشده است و ظاهراً مسلم است اما آن ایمانی که باید داشته باشد ندارد. انبیا آمده اند برای اینکه این قدرت ها را بشکنند، این قدرت های شیطانی را سرکوب کنند و نبی اکرم هم آمده بودند و آمدند برای اینکه این قدرت ها را بشکنند. این یکی از کارهایی است که

انبیا دارند، نه اینکه فقط این است. مستثنی فقط مؤمنین اند. که مؤمنین البته دارای این صفات هم هستند: «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» این استثناست، مابقی همه ما در خسران هستند. اسلام آمده است که همه این خسارتمندها و ناقص‌ها را در جمعیت مؤمنین بیاورد. اسلام نیامده است که جنگ کند و اسلام نیامده است که کشورگیری کند، نیامده است که فتح کند. اسلام و سایر ادیان حقه آمده‌اند که مردم را از این خسران بیرون کنند و در این حصار وارد کنند. متأسفانه موفق نشدند کوشش خودشان را کردند و موفق نشدند الا مقداری.

این مقدار از کمال هم که در انسانها در عالم هست به تبع انبیاست. اگر انبیا نیامده بودند، شاید همه مردم، الا دری، مثل حیوانات جنگل و بدتر از آنها به جان هم می‌افتادند. حالا هم می‌بینید که آنهایی که به این حصار نزدیک‌ترین بودند از این جنایات دورترند. حالا هم که شما در دادگستریهای عالم و در محکمه‌های قضایی هر جا مراجعه کنید، مؤمنها پرونده‌ای اینجا ندارند. آنهایی پرونده دارند که ایمان ندارند. پرونده‌های صل و مرد و فحشا و امثال آن متعلق به آنهایی است که ایمان به اسلام و خدا ندارند. این مقدار هم توفیق زیادی است که گروههای زیادی از انسان را تربیت کردند.

اگر این تربیت نبود، همه کار تمام می‌شد. تربیتهای انبیا[است] که این مردم را از حد حیوانیت و آن جنونی که انسان دارد در قدرت‌طلبی و سرکشی و نجات داده مقدار زیادی توفیق حاصل شده، لکن باز توفیقی که آنها می‌خواستند نشده است. پیغمبر غلبه می‌خورد برای اینکه، دعوت می‌کند و کم اجابت می‌شود؛ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ. یکی از غصه‌های انبیا هم همین است که نتوانستند تعلیماتشان را آن طوری که تعلیم اقتضا می‌کند به ثمر برسانند. پیغمبر می‌خواست همه مردم را علی بن ابیطالب کند ولی نمی‌شد و اگر بعثت پیغمبر هیچ ثمره‌ای نداشت الا وجود علی بن ابیطالب و وجود امام زمان (سلام‌الله علیه) این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی پیغمبر را تنها برای ساختن انسانهای کاملی بعث می‌کرد، سزاوار بود؛ لکن آنها می‌خواستند که همه آنها بشوند، آن توفیق حاصل نشد. اسلام قوانینی است که می‌خواهد انسان درست کند. قرآن هم کتاب هدایت است، می‌خواهد انسان درست کند. پیغمبر هم از ابتدای بعثت تا آخر، وقتی که از دنیا تشریف برد، در صدد این بود که آدم درست کند و در فکر این بود. تمام جنگهایی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگلیها و وحشیها را در حصار ایمان وارد کنند. قدرت‌طلبی در کار نبوده و به همین خاطر، در سیره نبی اکرم و سایر انبیا و اولیای بزرگ، حضرت امیر (سلام‌الله علیه) اولیای بزرگ، در سیره آنها می‌بینیم که اصل قضیه قدرت‌طلبی نبوده و اگر برای ادای وظیفه و ساختن این انسانها نبود، حتی این خلافت ظاهری را هم قبول نمی‌کردند و کنار می‌رفتند؛ اما تکلیف بود. تکلیف خداست باید قبول کند تا بتواند آن مقداری را که می‌تواند انسان درست کنند. (صحیفه امام، ۱۲/ ۴۲۶-۴۱۹)

باید تربیتی را در پیش گرفت که بتوان عصر طلایی ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در پناه آن رقم زده و پشتیبانی نمود، مشکلات اقتصادی جامعه ی بشری را در سطح کلان حل و رفاه و آسایش پدید آورده و عوامل سلطه بر فکر و فرهنگ و اقتصاد را از بین برد. تربیتی که با زدودن فقر و تهیدستی، زمینه ی رشد و تکامل مادی و معنوی انسان ها را فراهم و موجد آن کلامی گردد که حضرت علی (سلام الله علیه) نیز راجع به رونق اقتصادی در عصر انتظار ظهور و نزول برکات آسمانی در آن دوره ی طلایی فرموده اند: «چون قائم قیام کند، آسمان چنان که باید، باران بارد و زمین گدازویان... به گونه ای که زن از عراق در آید و تا شام برود و جز بر زمین های سرسبز گام نهد»

در عصر انتظار ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از یک طرف با اجرای احکام و استقرار نظم عدالت و برابری و نابودی ظلم، ستم و تبعیض و بی عدالتی در تمامی چهره و ابعادش، زمین نیز برکت «معنی ذخایر» خود را بدون هیچ گونه امساکی عرضه خواهد کرد و از طرف دیگر با پیشرفت علوم و فنون کشاورزی و دامداری نیز رونق گرفته و محصولاتشان چندین برابر خواهد شد. با توسعه ی ستم و انباشت تمامی منابع و ذخایر رو زمینی و زیر زمینی، شناسایی و کشف شده همه و همه دست به دست هم خواهند داد و در جهت تأمین رفاه و آسایش انسان، در آن عصر طلایی و رؤیایی بسیج و استخدام خواهند شد.

باید تربیتی را در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طراحی و رقم زد که به دنبال توزیع عادلانه درآمد سرانه آحاد جامعه و رفع نیازهای افراد، فقر و تهیدستی و غنا و بی نیازی عینی آنان باشد. باید تربیتی را در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طراحی و رقم زد که منتظران ظهور با قاطعیت و نظارت دقیق، جریان اقتصادی جامعه ی بشری را سر و سامان داده و تمام ثروت ها و ذخایر زیرزمینی و سطحی که در اختیارشان قرار می گیرد را به صورت عادلانه تقسیم و توزیع کنند و جلوی فعالیت های خود سرانه و آزمندانه زراندوز و بیاطاب را گرفته و از چپاول ثروت های مردمی و مکیدن خون انسان های مظلوم و مستضعف توسط افراد الوصف و فرصت طلب جلوگیری به عمل آورد. عوامل اصلی فقر، محرومیت و کمبود را از میان بردارد که تربیت شدگان این مکتب استقرار عدالت اجتماعی در تمام زوایای زندگی جامعه ی بشری از جمله عدالت در تقسیم بیت المال و توزیع ثروت های ملی و مردمی، را پیشه خود کنند و در پرتو اصل محبوب عدالت اجتماعی ناسامانی های سیاسی، ستم اجتماعی و ظلم اقتصادی که زاینده نظام ظالمانه تبعیض، ستم و بی عدالتی است، را سامان دهند. در پرتو گرما و لطافت عدالت اجتماعی و بستر مناسب هر عصر و زمان دین و دنیای مردم؛ حیات انسانی و زندگی معنوی جوامع بشری سر و سامان

داده و همه چیز را جان تازه ای بخشد و با فراهم آوردن رفاه و آسایش و ایجاد شرایطی که در آن آحاد جامعه جهانی کفاف زندگی داشته و اضطراب و نگرانی از این ناحیه احساس نکنند و با توزیع عادلانه بیت المال و درآمدها و نظارت دقیق بر دستگاه های اجرایی و اقتصادی حکومت زمینه لازم برای رفاه و آسایش همگانی را فراهم کند .

از مجموع فرازهای زیارت مشاهد مشرفه در رجب المرجب از ناحیه امام زمان (عج) آیات و روایات در خصوص عصر ظهور، به این باور می رسیم که با حاکمیت نظام عدالت گستر آن حضرت و نزول بر کائنات آسمان ها و زمین و نظارت دقیق بر امور اقتصادی، معضل بزرگ فقر و محرومیت، که مؤثرترین عامل در بروز ناهنجاری های اجتماعی به حساب می آید، از جامعه بشری بر چیده خواهد شد. با ایجاد رفاه و آسایش موعود پدیده های دزدی، تجاوز، بی عفتی، رشوه و اختلاس که مولود نامیمون فقر و بی عدالتی است از بین می رود و ترس، نگرانی، اضطراب و ناامنی جایش را به محیط صلح، صفا، صمیمیت و امید خواهد داد.

اگر راهکارهای ترس و نگرانی را بر این آسمان شهر و چشم انداز جامعه مهدوی استوار کنیم یقیناً خیلی از مشکلات و نارسایی های بسیاری از جمله مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان مرتفع خواهد شد و فاصله های عمیق و آزار دهنده طبقاتی از بین خواهد رفت. زیرا اگر در دنیای متمدن و صنعتی امروز که اکثریت جمعیت جهان را انسان های گرسنه و بی سرپرست تشکیل می دهند علت آن کمبود امکانات اقتصادی و فقدان ابزار و وسایل رفاهی نیست بلکه زیاده و معلول نظام ظالمانه ای است که فعلاً بر جهان حکومت می کند. نظام ظالمانه استضعاف را و استکباری که در سایه آن، عده ای بر توسن مراد خویش نشسته اند و غرق در تنعمات و افراط در لذات و هنجارهای موهنه ای مست و مغرور که دنیا را برای تاخت و تاز و جولان خویش کوچک و محدود می بینند و هیچ مانعی را در برابر خواسته های خویش احساس نمی کنند .

امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در ضرورت تعالی تربیت جامعه اسلامی فرمایند: البته آنکه برای قدرت طلبی و شیطنیت فعالیت می کند با آنکه برای خدا فعالیت می کند، تفاوت دارد و کارهایشان ذاتاً فرق دارد. انبیا برای ثروت و قدرت و دنیا و رسیدن به دنیا و رسیدن به حکومت ابتدا یک قدم برداشتند. اگر کسی گمان کند که انبیا یا اولیای بزرگ قدمی برای مسند برداشتند، آنها را نمی شناسد. مسندها همه در نظر انبیا پوچ است و قدرت ها همه پوچ. کار مهم انبیا این است که مردم را به نقطه کمال برسانند و سایر کارها در این راه وسیله است. غایت کمال مطلق است. انبیا می خواهند که همه مردم مثل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بشوند لکن، نمی شود و آنها توفیق پیدا نمی کنند. این طور نیست که انبیا برای دنیا آمده باشند. دنیا وسیله ای است برای کمال؛ چنانکه اهل دنیا هم این وسیله را به ضد

کمال استعمال می کنند. جنگ علی بن ابیطالب با جنگ معاویه ماهیتاً و ذاتاً فرق دارد؛ یکی شمشیر می کشد و ظل الله است؛ ظل خداست؛ یکی شمشیر می کشد و ظل شیطان است. این دو ماهیتاً با هم فرق دارند (صحیفه امام، ۱۲/ ص ۴۲۶-۴۱۹).

اینجاست که منتظر منجی با کمال تضرع در پیشگاه خدای متعال، آن هم پس از افطار در ماه مبارک رمضان و در آن حال و هوای معنوی در فرازی از دعای عالیۀ المضامین افتتاح می گوید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامُ وَاهْلُهُ وَتَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَاهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ الْقَادِمَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيَّيْنَا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَنِيهِ [إِمَامِنَا] وَكَثْرَةَ غَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بَيْنَنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانُ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْلَمْ أَنَّ عَلَى ذَلِكَ بَفْتَحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرِّ تُكْشِفُهُ وَنَصْرِ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تَطْهَرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَغَنِيَةٍ مِنْكَ تَكْفِيُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

التماس دعا

سرلشکر بسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی

مقدمه

یکی از راه‌های مؤثر دشمنان برای سلطه بر کشورهای اسلامی تسلط فرهنگی است که دشمن از تمامی ابزارهای خود برای تخلیه فکری و تربیتی جامعه، خصوصاً جوانان، بهره می‌جوید.

از مهم‌ترین عوامل تهاجم فرهنگی غرب تغییر شناخت‌ها و باورها، دگرگونی ارزش‌ها و گرایش‌هاست که در پی آن رفتارها و کردارها نیز تغییر خواهد کرد. این در حالی است که غرب خود گرفتار بحران تربیتی است و به جای حق تعالی، انسان را جانشین ساخته و قانون بشری را جایگزین دین و کتب آسمانی کرده و به جای ارزش‌های الهی، اصالت سود و جستجوگران مذهب را به تبت و هندوستان و بودیسم و هلدونیسم (لذت جویی و لذت گرایی) هدایت تبدیل کرده است. بسیاری از راه یافتگان به حقیقت مروج ما می‌گویند که وقتی به حقیقت رسیده‌اند غرب آنها را به تبت و هندوستان فرستاده است.

یکی از اهداف دشمن مبارزه با توحید در اشکال مختلف آن به‌ویژه زمینه ساز است؛ چرا که به تأثیر آن بر افکار، عقاید و رفتار مردم پرداخته است. هم اکنون دشمن با حربه‌های مختلف در صدد مبارزه با اسلام برآمده و به علت تأثیر شگرف تمدن ممدوی به مبارزه اساسی با این تفکر در سطح جهانی پرداخته و تا کنون بیش از پانصد اثر اسرار: فلک زامس نامه، آهنگ و داستان برای تحریف پیش‌گویی‌های نوستر آداموس در ارائه چهره‌ای وحشتناک از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و جنگ افروزی ایشان ارائه شده است. در حالی که روایات و احادیث دینی، بیان‌گر ایجاد وحدت کلمه، مهرورزی و عدالت جهان گستر در سایه ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در تأویل آیه «و قاتلوهم حتی لا تکن فتنه و یکون الدین کله لله» می‌فرماید: امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مبارزه می‌کند تا وقتی که اختلاف از بین ملل و ادیان برداشته شود و تمامی دین یک کلمه شود.

هم اکنون تأثیرات تهاجم فرهنگی دشمن در جوامع اسلامی مشهود است و دشمن از راه‌های گوناگون به خصوص رسانه‌های ارتباطی از قبیل: ماهواره، اینترنت، فیلم‌ها و نوارهای مبدل و مانند آن در صدد تخریب تربیت اسلامی برآمده و بیشترین اهداف دشمن بر روی زنان در جامعه منتظر و جوانان متمرکز شده است؛ چرا که دشمن به خوبی دریافته که بهترین راه برای دستیابی به اهداف شوم خود، تخریب زیرساخت‌ها و بنیان‌های زیرین جامعه است که شامل جوانان و زنان دختران مادران مربیان نسل آینده در جامعه منتظر است.. تأثیر تهاجم فرهنگی در این روایت رسول اعظم (صلی الله

علیه و آلّه و سلم) مشاهده می‌شود که ضمن هشدار به امت خود در آخرالزمان می‌فرماید: «حال شما چگونه خواهد بود، زمانی که زنان در جامعه شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و جور گرایند و شما امر به معروف و نهی از منکر ننمایید به پیامبر (صلی الله علیه و آلّه و سلم) گفته شد: ای رسول خدا آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری و بدتر از این خواهد شد! حال شما چگونه خواهد بود، زمانی که شما معروف را منکر، و منکر را معروف پندارید؟»

این قبیل احادیث در مورد زمان قبل از ظهور وارد شده که بیانگر عملکرد نادرست برخی از مردم است. این مهم، وظیفه سایرین را برای راهنمایی امت گوشزد می‌نماید. به طور مثال در: مکاتب تربیتی است گرا و غریزه پایه همچون فروید هدفی جز دور ساختن نسل بشری از کمال نهایی و قرب الهی ندارد و انسان را پایین‌ترین مرحله حیوانی و حتی پست‌تر از آن تنزل می‌دهند. نظام تربیتی اسلام و مهدویت در نقطه مقابل این مکاتب قرار دارد که علاوه بر اهداف دنیوی و مادی همچون تربیت جسمانی و تربیت علمی، اهداف متعالی‌تری نیز برای تربیت انسان در نظر گرفته است. از دیدگاه مکتب تربیتی اسلام و مهدویت باید انسان به‌گونه‌ای تربیت شود که تمامی کارها و فعالیت‌هایش رنگ و بوی معنوی و الهی داشته و هدف اصلی او کسب رضای الهی باشد و از تکامل روحی و عرفانی غفلت نکند. توسعه جنبه مادی، در میان بشریت، سعادت و حیات طیب را برای آنان به ارمغان خواهد آورد.

حیاتی طیب و متضمن تربیت زمینه ساز، سرچشمه هر خیر و جلوه گاه همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها، چشم اندازی زیبا به جهان آینده و رمز پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران خواهد بود. این اعتقاد از توانمندترین عوامل رشد و بالندگی یک جامعه است که آنرا از لغتیدن در فساد و تباهی حفظ می‌کند. به هر حال زنده ماندن، بالندگی و بقای اسلام و شیعه در این دوران حقیقت بزرگ قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، اهمیت و جایگاه والای تربیت زمینه ساز در آینده تاریخ و حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) به عنوان تنها معارض در برابر جهانی سازی، دشمن را به گونه ای مصمم و جدی به صحنه نبرد و مبارزه کشانده است. در همین راستا صهیونیست‌های مهدی ستیز با هم دستان خود با تهیه ده‌ها فیلم و نمایشنامه، سی دی‌های گوناگونی تلاش کرده‌اند تا چهره حضرت مهدی (علیه السلام) را تخریب کنند و چهره و صورت بسیار خشن، مخرب و وحشت زازا از آن حضرت ارائه دهند. آنان با برنامه ریزی بسیار دقیق براساس مبانی روانشناختی و جامعه شناختی برای ۲۰۰ سال آینده طرحی

منسجم، اصولی و حساب شده و منطبق با مراحل مختلف رشد و ادبیات خاص هر دوره دارند. فعالیت‌های آنان از چنان گستردگی در جهان برخوردار است که حتی کشورهای اسلامی از جمله کشور اسلامی ما هم از این تهاجمات مصون نمانده است.

در حالی که دین اسلام نگاهی فراگیر، واقعی و دقیق به موضوع انسان دارد و علاوه بر انتقال آموزه‌های تربیتی و اخلاقی، درصدد رشد و اصلاح رفتارها و پندارهای او برمی آید و از طریق تعلیم و تربیت خواهان کمال و رستگاری او نیز هست. براین اساس مبانی و اصول تربیت و تعلیم دینی، قدسی و الهی است، یعنی، مبتنی بر یکتاپرستی، فرجام باوری، فضیلت محوری و کمال گرایی است. در اینجا، انسان به سببه موجودی برتر تلقی می‌شود که دائماً درحال حرکت و بالندگی است و می‌توان با تربیت صحیح دینی او را در مدار واقعی زندگی و حیات طیبه قرار داد. نگرش الهی به تعلیم و تربیت، باعث می‌شود که علاوه بر مسائل مادی و دنیوی انسان، به بعد معنوی و اخروی او نیز توجه وافر شده، و تمامی رفتارها، گفتارها و پندارهای او درجهت رسیدن به سعادت جاوید قرار گیرد. بررسی‌های نگارنده نشان دهنده آن است که تنها به مهدوی واجد این خصوصیت ویژه و برجسته است و از مبدأ لایتناهی اراده و خواست الهی سرچشمه می‌گیرد و همه انسان‌ها را متوجه آن منبع فیض و خیرات می‌کند. در نتیجه این تربیت الهی آنان را به مسیر درست و واقعی زندگی قرار می‌گیرند و علاوه بر بهره برداری از نعمت‌های سرشار مادی، از حیات معنوی و قدسی ویژه ای برخوردار می‌شوند. خداوند باری تعالی در شب معراج به حضرت محمد (صلی‌الله علیه آله) فرمود: «ای محمد!... تنها به وسیله قائم از شما، زمینم را به تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تحمید آباد می‌کنم. تنها به واسطه او کلمه کسانی را که به من کفر می‌ورزند، در مرتبه پائین و کلمه خود را در مرتبه بالا قرار می‌دهم.

تنها به واسطه او سرزمین‌ها و بندگانم را به دانشم زنده می‌سازم، و به من مشیتم گنج‌ها و اندوخته‌های [زمین] را آشکار می‌کنم. او را به اراده‌ام، بر رازها و نهانی‌های پیرامون می‌گردانم. او را با فرشتگانم یاری می‌دهم تا بر تحقق بخشیدن امرم و آشکار ساختن آیینم، یاری کند. او ولی بر حق من و مهدی راستین بندگانم است.»

به یقین این نوید قدسی نشان دهنده آن است که تربیت و تعلیم در جامعه منتظر باید برپایه تربیت و تعلیم مهدوی شکل گیرد؛ یعنی، خاستگاه آن الهی و قدسی باشد و مهم‌ترین رویکرد آن اعتلای کلمه توحید و بسط و گسترش تسبیح و تحمید الهی، در روی زمین و نقش بستن تهلیل و تکبیر بر دل‌ها و جان‌ها باشد. نگاه مادی و سودگرایانه به انسان و اجتماعی کردن او و تکیه بر آموزش‌ها و مهارت‌های

زندگی آسوده و منظم، نگاهی ناقص و تک بعدی به انسان است و نمی‌تواند زمینه ساز رشد و بالندگی روحی و معنوی او شود؛ همانگونه که نگاه صرفاً باطنی و روحی به انسان، نمی‌تواند موجب راحتی و سعادت‌مندی او در زندگی دنیوی- و حتی اخروی- باشد. با این حال اصل قدسی و الهی بودن تعلیم و تربیت، باید در اولویت برنامه های تربیتی و آموزشی باشد.

در این راستا قرآن کریم نویدهایی به انسان می‌دهد که پیش‌روی جامعه است، آینده مطمئن، با رفاه و آسایش، بدون اضطراب و دغدغه‌های فکری. چنین سرنوشتی در انتظار بشر است و این امر بی‌شک به دست مهدی موعود (علیه السلام) رقم خواهد خورد. رسیدن به مدینه فاضله امام مهدی (علیه السلام) همانند دیگر تحولات اجتماعی نیازمند آمادگی و زمینه‌سازی است که می‌بایست برنامه‌ریزی کرد و شرایط لازم را برای استقرار فراهم آورد.

هرچند به صورت عام در باب منجی و مصلح جهانی و به صورت خاص درباره ظهور مهدی موعود آثار قلمی زیادی نوشته شده، با گونه‌ای که کتاب‌ها و مقالات قدیم و جدید در این موضوع قابل شمارش و بررسی نیست. همین زمینه شخصیت و صفات مهدی موعود، علائم ظهور، حکومت مهدی (علیه السلام) و امثال آن، منبع زیادی بر اختیار است، ولی در خصوص تربیت زمینه ساز و ظهور مهدی (علیه السلام) با نگرش تربیتی شواهد و تئوری‌ها از این نظر جای بحث و پژوهش دارد که با رویکرد تربیتی به موضوع تربیت زمینه‌ساز پرداخت شود و تحقیقی هرچند مختصر در این مورد صورت گیرد.

با مطالعه آثاری که تاکنون در زمینه منجی جهانی و مهدی تربیت زمینه ساز تدوین شده، نگارنده به این نتیجه رسیده است که هیچ کدام از آن‌ها با نگاه تربیتی به موضوع پرداخته‌اند. اغلب این کتاب‌ها تاریخ ولادت، غیبت صغری، غیبت کبری، نواب خاص، حکومت مهدی و امثال آن را از نظر روایات بحث کرده و این مهم را برجسته ساخته‌اند که تربیت نسل مهدی باور بایمانان، دغدغه های والدین ولایت مدار در جایگاه متولیان اصلی تربیت شود. در سده حاضر، والدین برای تربیت معنوی فرزندان خود با چالش‌های جدی روبرو هستند؛ چرا که مدعیان جهانی سازی، حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تنها معارض تحقق همسان سازی تربیتی جهان با تربیت غرب می‌دانند و با بهره گیری از هنر و تبلیغات، سعی در تخریب این تربیت دارند، از این رو صهیونیست‌ها با سیطره کامل بر صنعت سینما و رسانه‌ها و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، یکی از محورهای اساسی فعالیت خود را مبارزه با اعتقاد به ظهور منجی الهی قرار داده‌اند. آن‌ها در محاسبات خود به این نتیجه

رسیده‌اند که اعتقاد به ظهور منجی الهی همواره موجب امید برای مقابله با ستمگران است. از سوی دیگر، آنان به خوبی دریافته‌اند تا زمانی که تربیت زمینه ساز زنده است، شیعه که قوام دین به او است، پابرجا است و گره خوردن نسل جدید با تربیت مهدویت، خط بطلان بر تمام دسیسه های مهاجمان ناتوی تربیتی است؛ از این رو است که برای تخریب تربیت زمینه ساز در منظر نسل جدید، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند. آنان در تلاش اند مهدویت را به گونه ای به تصویر بکشند که جز تخریب، دلهره نابودی برای دنیا و چیزی به ارمغان نخواهد آورد. سفارش تهیه فیلم هایی به هالیوود - مانند فیلم معروف پیش گوئی های نوسترا داموس، چهار پر (محصول ۲۰۰۱ آمریکا)، ارباب حلقه ها - و تهیه نرم افزارها و سری های رایانه ای از تلاش هایی است که برای تخریب تربیت جامعه بر اساس نگاه مهدوی تدارک دیده اند.

همان طور که گفته شد، مجموعه این تلاش ها برای تخریب جامعه منتظر از جمله تربیت مهدوی در اذهان فرزندان ما، تربیت دینی را با تلاش مواجه کرده است. از سوی دیگر، پیچیدگی امر تربیت دینی در عصر حاضر - به سبب اقتضای خاص زمانی - امر تربیت را از صعوبت خاصی برخوردار کرده است. همه این عوامل ضرورت اهدای راه بینش و بصیرت و بکارگیری روش های صحیح آن برای تقویت بنیان های اعتقادی مهدی به عنوان مهدی را آشکار می کند.

به طور مثال به کار گرفتن روش ها و ابزارهای نوین در مطالعه یک موضوع خاص می تواند سبب مطالعه آن از جوانب گوناگون شود و ما را به ادراک حقیقت نزدیک سازد. روش های رایج تحقیق شامل روش قیاسی (عقلی)، روش استقرایی (تجربی) و روش تفسیری (هرمنوتیک) می تواند در مطالعات حوزه فلسفه تربیت زمینه ساز ظهور به کار گرفته شود. در سورتی که هدف از مطالعه، استنتاج دلالت های تربیتی از اصول فلسفی در یک مکتب باشد، روش قیاسی به کار می آید؛ ولی در این زمینه روش های تفسیری به ویژه هنگام بررسی متون - خاصه متون شیعی - - نگاه مهمی دارند. نگارنده بر این اعتقاد است که تربیت زمینه ساز ظهور بر این اساس از دو جهت ضرورتی است: الف) شناسایی منابع هستی بخش و به کارگیری شیوه هایی برای دستیابی به آنها، همچنین دستیابی با عوامل هستی زدا و به کارگیری روش ها و سازوکارهایی برای پرهیز از آنها و نیز شناختن و به کار بستن راه های توسعه هستی برای زیست انسانی ما ضروری است. ب) برای پیدایش و گسترش نمونه هایی که مثل و مانند افراد موجود باشند و ادامه حیات ایشان تلقی شوند و تداوم زندگی انسانی را ممکن سازند. یعنی تربیت به مثابه بخشی از جریان هدفمند آفرینش است و تداوم حیات انسانی را فراهم می آورد و

این امر یعنی ضرورت تربیت زمینه ساز ظهور برای دستیابی به هستی متعالی و جاودانه، مقام و جایگاه آن را تا بنیاد اجتماع بالا می‌برد. تربیت زمینه ساز ظهور صرفاً یکی از فرایندهای زندگی اجتماعی نیست. نظام تربیتی نیز یکی از چند نهاد اجتماعی و هم سطح با نهادهای سیاست، اقتصاد، حقوق و ... تلقی نمی‌شود. در این نهاد اجتماعی در مورد نظر نظام خلقت انسانی است تربیت به مثابه رسالت انبیاء و ماموریت نخستین ادیان، لوازم و پیامدهای مهمی دارد و سبب می‌شود تربیت در رتبه ای بالاتر از نظم اجتماعی قرار گیرد. تربیت محور انتظام اجتماعی و فلسفه احکام مدنی تلقی شود؛ یعنی بر نظم اجتماعی، پای قانون گذاری و محور ساختارهای اجتماعی نیز مقدم است. تربیت ضامن بقا و سلامت جامعه است، در واقع حفظ جامعه به منزله مقدمه‌ای برای تحقق هدایت تلقی می‌شود. بدین ترتیب جایگاه تربیت از سطح نهاد اجتماعی ترقی می‌کند. تربیت نه به مثابه یک نهاد یا جریان یا رخ داد اجتماعی، بلکه عامل فاعل تشکیل اجتماع و کانون تمام رویدادهای اجتماعی مطرح می‌شود. در این صورت به جای اینکه نهادهای سیاست و اقتصادی باشد، برای آن‌ها تعیین کننده است. چنین موضعی درباره جایگاه اجتماعی تربیت و چنین برداشتی از حیث اجتماعی تربیت آن را تا حد محور اساسی تکوین و توسعه جوامع و هدف تعیین کننده انتظام اجتماعی بالا می‌برد، چنین تفکری ریشه در طبیعت آدمی و درخواستش برای بقا دارد.

بر همین مبنا قرآن کریم هدایت را اساس تشکیل و اصلاح جامعه معرفی می‌کند. از یک سو هبوط آدم بر زمین و زندگی آرام و نیک و بختانه را به هدایت معصوم می‌دارد: «قلنا اهبطوا منها جميعا ياتينكم منى هدى فمن تبع هدى فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون» (سوره: بقره: ۳۸). از سوی دیگر فساد و اصلاح جوامع را با توجه به وضعیت مراکز تربیتی و نظام هدایتی آن‌ها تفسیر می‌کند: «ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الصوامع وبيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم ربك كثيرا» (حج: ۴۰). از سوی دیگر ارزش نهایی در تشکیل مدینه فاضله را دستیابی به هدایت و اقامه عید می‌داند. بر این اساس تربیت صرفاً یک واقعیت اجتماعی نیست، بلکه بنیاد نظم اجتماعی است. در این بنیاد تربیت زمینه ساز ظهور نیز تلاشی است در جهت دوری از نیستی و توسعه هستی و حتی دستیابی به هستی جاودانه. بنابراین ضرورت تربیت زمینه ساز ظهور نیز از ضرورت و وجوب هستی ناشی می‌شود؛ یعنی وجوب تربیت برای ما از هستی خاص ما برخاسته است. ما چون هستیم و هستی ویژه ای داریم، پس به تربیت نیازمندیم، تربیت زمینه ساز ظهور در توسعه خزانه دانشی منتظران ظهور، درباره منابع هستی بخش و عوامل هستی زا نقش یکتا و منحصر به فردی دارد.

یعنی تربیت زمینه ساز ظهور از هستی شناسی متأثر می شود و لازم است با توجه به هستی شناسی مهدویت، ماهیت و چیستی تربیت زمینه ساز ظهور معین شود. از منظر مهدویت، تمام موجودات جهان و آنچه در آسمان و زمین است، جلوه هایی از حقیقت یگانه ای هستند که ذات واقعیت و تمام واقعیت را تشکیل می دهند و جهان و آنچه در آن است جز نمودهای متنوع و جلوه های گوناگون آن حقیقت یگانه، چیزی نیستند و معنایی افاده نمی کنند. پس آنچه هست ظاهری دارد و به باطنی رهنمون است، این باطن عالم، نماد چیزی به جز توحید نیست.

برای نگرش مهدویت تعریف تربیت زمینه ساز ظهور دارای این ویژگی است چه ناظر به مقصد باشد و چه ناظر به مبدأ در هر دو حالت به یک حقیقت معطوف است. سرآغاز تربیت زمینه ساز ظهور حقیقت یگانه ای است که تمام آفرینش از اوست و آرمان تربیت زمینه ساز ظهور نیز معرفت و بیان همین حقیقت یگانه است. تربیت زمینه ساز ظهور از توحید به منزله «الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم» (علق: ۲۹) آغاز می شود و به «ما ورنی و لا یشرکون بی شیئا» (نور: ۵۵) منتهی می شود.

در این رویکرد توحید به مقصد تربیت زمینه ساز ظهور است، بنابراین تبیین توحید از این منظر و برای فهم ماهیت تربیت زمینه ساز ظهور ضروری است. از این رو در نظریه تربیت مهدوی توحید، که مبدأ و مقصد تکوین جهان و تشریع و تلقی می شود، سرآغاز و سرانجام تربیت زمینه ساز ظهور نیز هست.

در برنامه ریزی های اجتماعی و مدیریت متکی به مصالح تربیتی، امکانات و فرصت ها همچنین تهدیدها و تنگناهای موجود بر اساس پیامدهای تربیتی سنجیده می شوند. این نوع مدیریت هم چنین حاوی پیش بینی تأثیراتی است که برنامه ها و اقدامات گوناگون بر حقوق راهبردهای تربیتی می گذارند. برای شناسایی مصالح تربیتی ابتدا بر اساس هدف اساسی تربیت زمینه ساز ظهور که ترغیب یادگیرنده به شناخت و ساحت های موقعیت خویش یا ارتقا مرتبه هستی شناختی خود است، مهم ترین تهدیدها تعیین و سپس مجموعه محدودیت ها و فرصت های موجود (یا احتمالی و یا ابدا) شناسایی می شوند. در مرحله بعدی راهبردهای گوناگون اجتماعی- شامل راهبردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره- از این جهت مورد بررسی قرار می گیرند. راهبردهای مذکور با توجه به تأثیری که در مقابله با تهدیدها، کاهش محدودیت ها و افزایش فرصت های تربیتی دارند، اولویت بندی می شوند. همچنین با توجه به همین تأثیرات، تعامل طولی و عرضی راهبردهای اجتماعی با یکدیگر بررسی می شوند. بدین ترتیب در تمام نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برنامه ریزی کوتاه مدت، میان

مدت و طولانی مدت بر حسب تأثیرات کمک کننده و تعاملات آنها در تحقق راهبردهای تربیتی صورت می گیرد.

در این راستا ضروری است که نسل نو وضعیت ایده آلی را که در جامعه مهدوی تحقق خواهد یافت، بشناسد، تا بتواند جایگاه و وضعیت موجود را مورد نقد و بررسی قرار دهد. زیرا کسی که وضعیت ایده آل را نشناسد کاستی های وضعیت موجود را نیز نخواهد شناخت و در این صورت، چه بسا ممکن است مانند آن باصطلاح اندیشمند امریکایی وضعیت موجود را بهترین وضعیتی بداند که برای سرپرست دست یافتنی است.

در حالی که یکی از اصلی ترین اهداف انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو در تفکر دین و عصر نوین، شناختن کاستی های وضعیت موجود به آنها و جلوگیری از بسنده کردن به حال کنونی جامعه است. نسل نو باید با شناخت کاستی های وضعیت موجود، تلاش می کند تا وضعیت ایده آل بشری را برای جهانیان تبیین کند. پس وضعیت ایده آل برای جهانیان باعث پیدایش شوق و رغبت در آنها نسبت به تحقق چنین وضعیتی خواهد شد و پیدایش این اشتیاق جهانی، یکی از مقدمات ظهور صاحب الزمان، مهدی موعود (علیه السلام) است.

هدف دیگری که در انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو دنبال می شود، همسان سازی شخصیت آنها با ایده آل های جامعه آرمانیست. نسل نو با شناختن مشخصات خاص های انسان عصر مهدوی، تلاش می کند خود را با این شاخص ها هماهنگ و با انسان های عصر ظهور همگون نماید و این، همان چیزی است که امروزه از آن به عنوان تربیت مدیر و نیروی انسانی یاد می شود و این از اساسی ترین پیش نیازهای رسیدن به هدف زمینه سازی است. همان طور که گیاه در بستر مناسب جوانه می زند و رشد می کند و پرورش آن، بدون فراهم کردن آب و خاک و هوای مناسب ممکن نیست، پرورش نسل نو و تبدیل آنها به نومنتظران ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز باید به همین مناسبت و در بستر مناسب و فضای سالم، ممکن نخواهد بود. بذر اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار، برای پرورش نسل نو در وجود آدمی، نیازمند بستر و فضایی مناسب است تا رشد و نمو کرده و در وجود آدمی بیشه دواند و به درخت پرمیوه انتظار پویا تبدیل شود. بنابراین نخستین کاری که در انتقال فرهنگ مهدویت باید انجام شود، فضا سازی است. در غیر این صورت امر تربیت با موفقیت کمتری همراه خواهد بود. مسلماً در امر تربیت، نمی توان برای یکایک افراد جامعه پرونده تربیتی تشکیل داد و بر فرض امکان چنین امری، تربیت آنها بدون فضای مناسب تربیتی ممکن نخواهد بود. بنابراین، باید فضایی که مناسب تربیت

مهدوی است، ایجاد کنیم زیرا قرار گرفتن در فضایی خاص، باعث می‌شود تا افراد مطابق آن فضا حرکت کنند و اگر فضای تربیتی ما، فضای تربیت مهدوی نباشد، شناساندن فرهنگ انتظار به افراد در این فضا مانند شنا کردن بر خلاف جریان آب است و اما اینکه چگونه می‌توان فضا را فضای تربیت مهدوی نمود، خود سؤال مهمی است که پاسخ دادن به آن، همت نگارنده را در انجام این پژوهش برانگیخت لذا موجب شد تا پرسش اصلی پژوهش خود را در ارتباط با تربیت زمینه ساز بر این موضوع قرار دهد که آیا امروزه باور به ظهور مهدی (علیه السلام) آثاری در زندگی انسان دارد؟

هریکه بر افراد خانواده و حکومت اسلامی از نظر تربیتی چه وظایفی نسبت به زمینه سازی دارند؟
دیدگاه نسبت به تربیت زمینه ساز کدام است؟

مبانی تربیتی رفتار مهدی (علیه السلام) در حکومت عدل جهانی کدام اند؟

نظر به طرح بحث و پرسش های اینگونه ای، می توان گفت چارچوب کلی این کتاب، یک روند نظری و کاربردی داشته که برپای دیدگاه ها، رابطه تربیت زمینه ساز با تربیت و تبیین مبانی تربیتی رفتار مهدی (علیه السلام) بخش اول کتاب را بیان آثار تربیتی زمینه ساز و وظایف تربیتی هر کدام از فرد، خانواده و حکومت نسبت به تربیت زمینه ساز بخش کاربردی آن را تشکیل می دهند.

اینگونه دغدغه ها به فراوانی نسبت به تربیت زمینه ساز وجود دارند، هم در افکار عالمان و اندیشمندان و هم در اذهان توده مردم و بخش های جوان. موافقان و مخالفان تربیت زمینه ساز، از دیر زمان در هر دو گروه بوده و هست. دیدگاه های در باب تربیت زمینه ساز و انقلاب جهانی امام مهدی (علیه السلام) مطرح و در مراکز علمی مورد توجه است. صرف هیخته ای را به تکاپو و می دارد تا ضمن آشنایی با آن دیدگاه ها به نقد علمی و منصفانه آن بپردازد چرا که نظریات ناپخته علمی پیامدهای رفتاری به دنبال دارد و بازتاب آن، واکنش هایی را در اجتماع می آورد و ممکن است به تحجیر و سردرگمی برخی جوانان منجر شود.

روش نگارش و پژوهش هر کتابی از این دست که اغلب با منابع و متون اسلامی سروکار دارد، روش اسنادی با استفاده از شیوه تحلیلی - تفسیری است که ظرف اجرای آن فضای تألیفی و اسنادی است و نیازی به پژوهش میدانی و اطلاعات آماری ندارد.

البته اهمیت مسئله نگارنده را بر آن داشت که با دید آسیب شناسی، به تحلیل موضوع تربیت زمینه ساز بپردازد. آنچه مسلم است این است که تاکنون نتوانسته ایم به اندازه توانمان جامعه ولایت مدار را به مصداق آیه «لایکلف الله نفساً الا وسعها» تربیت کنیم. این نوشتار بر آن است تا درباره آسیب شناسی فعالیت های راهبردی در حوزه تربیت زمینه ساز تحلیلی ارائه دهد که قطعاً بی نیاز از تیغ نقادی نیست.

امید است با طرح موضوعاتی از این دست شاهد تحولی بنیادی در ساختار آموزشی و فرهنگی برنامه‌های تربیت زمینه ساز باشیم و با نهادینه سازی این فرهنگ متعالی، زمینه برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) را فراهم سازیم. نگارنده تلاش کرده است تا هدف کلی این پژوهش را به بررسی تأثیر اعتقاد به تربیت زمینه ساز در نهادهای مسئول تربیت و تعلیم و هدف جزئی آن را نیز فراهم کردن متنی بر اساس اصول بنیادین تربیت اسلامی استوار سازد. کتب، مجلات و وبسایت‌های متعددی در رابطه با موضوع تحقیق بررسی و مطالعه شد. نتایج نشان می‌دهد که اگر جامعه‌ای منتظر عدالت جهانی است در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود، به گونه‌ای که جوی دیگر با مشاهده جامعه منتظر مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن می‌شوند. (مثال عینی چنین جامعه‌ای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است که رهبر عزیز ما حضرت امام خامنه‌ای (دامت برکاته) این تأثیر گذاری را در چشم‌انداز بیست ساله ابلاغ فرمودند).

در پایان لازم است که در نهایت همه متعهدان و دلسوزانی که خردمندانه و با آگاهی لازم نسبت به مباحث و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی به فعالیت در این زمینه در وبسایت‌ها، کتاب‌ها و سخنرانی‌های تربیتی و مهدوی پرداخته‌اند تقدیر کنم و از جا افتادن نام آنان در این اثر را به حساب حجم فراوان داده‌های این اثر می‌انجامم و خود را نزد خداوند متعال ماجور بدانند. هم چنین متذکر این نکته شوم که با توجه به موضوع، در این کتاب بیش‌تر به نقطه ضعف‌ها و آسیب‌ها پرداخته شده است. گرچه همگان بر این مسئله واقفند که حرکت‌های بسیار خوب و امیدوارکننده‌ای در این زمینه آغاز شده است که امیدواریم همه این عزیزان در انجام رسالت‌های مهدوی خود، هم‌چنان موفق بوده و نگارنده نیز در تقدیر از این تلاش ماندگار و عمیق، شایسته، ثواب این اثر و کلام مکتوب را نیز باید تقدیم مروجان و دلدادگان تربیت زمینه‌ساز کرده کشور عزیزمان برای متولیان امر تربیت دینی هستند، در کلام نهائی از تمامی مادران جامعه اسلامی که با کارگیری اصول و شیوه‌های صحیح تربیت زمینه ساز و شکوفاسازی فطرت پاک نهاد فرزندان خود، متعهد، در صدد تقویت عواطف و احساسات الهی و خداپایه فرزندان خود درباره امام زمانش (عج) و گرایش به سوی انسان کامل را در نهاد آنها به تقویت و فعال می‌سازند، تشکر و قدردانی کرده و اوصاف داشته تا این بنده خدا و مشتاق دیدار روی مبارک حضرت حجت (علیه السلام) را از دعای خیر خود محروم نگردانند.